

گفتگو با فرهنگ سازان بزرگ ایران

۶ - مصاحبه با آقای نظامی گنجوی در سن شصت و هشت سالگی (بخش سه)

از دکتر عباس احمدی

اشاره - باخبر شدیم که یکی از اندیشمندان بلند آوازه ی ایرانی به نام آقای نظامی گنجوی در شهر گنجه واقع در آذربایجان اقامت دارند و با زحمات فراوان توانستیم مصاحبه ای با ایشان ترتیب بدهیم.

ع ۱ - آقای نظامی گنجوی، از این که با این همه گرفتاری، دعوت ما را برای مصاحبه قبول کرده اید بسیار سپاسگزارم. قبل از آن که بحث امروزان را آغاز کنیم می خواهیم به اطلاع جنابعالی برسانم که نسخه های خطی کتاب های شما، مانند مروارید های درخشانی، زینت بخش موزه ها و کتابخانه های مسکو، سن پترزبورگ، باکو، تاشکند، تبریز، تهران، قاهره، اسلامبول، دهلی، لندن، پاریس و بسیاری از شهرهای دیگر دنیا شده است. همچنین، کتاب های جنابعالی به زبان های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، ژاپنی و بسیاری زبان های دیگر ترجمه گردیده ست و مردم بسیاری از کشورها با دیده ی تحسین در کارهای شما می نگرند.

ن گ - از اظهار لطفی که ادب شناسان و هنرپروران نسبت به آثار ناچیز بنده ابراز می دارند، بسیار سپاسگزارم.

ع ۱ - جناب آقای نظامی گنجوی، پرروز درباره ی سرنوشت بشر و مساله ی مرگ و زندگی سخن گفتید و فرمودید که این دنیا، سرابی پر فریب است و آدمی سرانجام از این محنتکده ی ویران به فراموشخانه ی مردگان می رود و بنابراین بهتر است که آدمی، دامن از دام این جهان فانی برکشد و بدنبال آن باشد که در زلال آن سرای جاودانی بیارامد. دیروز در باره ی می لاله رنگ و نوای چنگ و می تلخی که نشاط شیرین می آورد سخن گفتید امروز، اگر موافق باشید، می خواهیم راجع به آفرینش جهان مادی و دنیای آن سوی گنبد آسمان با شما گفت و گو کنیم.

ن گ - موافقم.

۱ - نخستین جنبشی گامد، الف بود

ع ۱ - جناب آقای نظامی گنجوی، جهان چه گونه به وجود آمد؟

ن گ - در اولین چرخش پرگار خلقت، شکل الف که طول یا درازا باشد پدیدار شد:

از آن نقطه که خطش مختلف بود نخستین جنبشی گامد الف بود (ص ۳۴۰)

ع ۱ - بعد از آن که «طول» به وجود آمد، چه چیز دیگری آفریده شد؟

ن گ - بعد از طول، «عرض» به وجود آمد. از این ترکیب این دو خط یعنی از ترکیب ابعاد دوگانه ی طول و عرض، چیزی به نام سطح به وجود آمد. کلمه ی «بسیط» در این جا به معنای سطح است:

ع ۱ - پس از آن که ابعاد «طول» و «عرض» به وجود آمد، چه چیز دیگری آفریده شد؟
 ن گ - پس از این دو، «ارتفاع» به وجود آمد. از ترکیب این سه خط یعنی از ترکیب ابعاد سه گانه ی طول و عرض و ارتفاع، جسم به وجود آمد:

سه خط چون کرد بر مرکز محیطی به جسم آماده شد شکل بسپتی

بنابراین ابتدا نقطه بود سپس خط پدیدار شد، بعد سطح (= بسپت) به وجود آمد، و سرانجام جسم آفریده شد.

خط است، آنگه بسپت، آنگاه اجسام که ابعاد ثلث اش کرده اندام (ص ۳۴۰)

ابعاد ثلث در این جا به معنای ابعاد سه گانه است. به این ترتیب، جهان از اول تا نهایت به وجود آمد.



ع ۱ - جناب آقای نظامی گنجوی، چه نظریه ی جالبی، طبق آرای شما، در ازل، جهانی بوده است بدون ابعاد. جهانی که طول و عرض و ارتفاع نداشته است، چیزی مانند نقطه. سپس از این دنیای بی بعد، دنیای یک بعدی به وجود می آید و سپس از دنیای یک بعدی، دنیای دو بعدی خلق می شود و سرانجام از دنیای دو بعدی، دنیای سه بعدی آفریده می شود که همان ماده و جهان مادی است. این آرای شما چقدر شبیه به فرضیه ی «سینگولاریتی» فیزیک دانان امروزم است. چیزی که جنابعالی در ذهن شاعرانه ی خود به صورت یک شعر پروانده اید، اینان در ذهن عالمانه ی خود به صورت یک فرضیه ی علمی ارایه کرده اند.

ن گ - فرضیه ی سینگولاریتی چیست؟

ع ۱ - طبق فرضیه ی سینگولاریتی، قوانین فیزیک مانند ابعاد سه گانه و اصل بقای انرژی و قوانین قوه ی جاذبه و سایر قوانین جهان مادی، به صورتی که اکنون وجود دارد، پیش از انفجار بزرگ وجود نداشته است. به گفته ی اینان، کائنات و قوانین فیزیک در ازل از انفجار یک نقطه ی ازلی به وجود آمده است. و این چندان دور از آرای جنابعالی نیست. به اعتقاد این فیزیک دانان، حدود پانزده بلیون سال پیش، همه ی جهان در درون

یک نقطه وجود داشته است. به این، در اصطلاح فیزیک دانان، «سینگولاریتی» (Singularity) می گویند که حالتی است پیش از به وجود آمدن کائنات، حالتی که در آن حالت، زمان و مکان هنوز به وجود نیامده است. مکان یعنی چیزی که سه بعد طول و عرض و ارتفاع دارد. بنابراین، در حالت سینگولاریتی، ابعاد سه گانه وجود نداشته است. در لحظه ی انفجار بزرگ، زمان و مکان و ابعاد سه گانه به تبع آنان قوانین فیزیک به صورتی که امروزه می شناسیم به وجود می آید.

ن گ - همان طور که گفتیم، به اعتقاد من، خداوند، جهان مادی را از یک نقطه ی ازلی به وجود آورده است

ع ۱ - طبق آرای جنابعالی، در ازل، ابعاد سه گانه (طول و عرض و ارتفاع) و به تبع آن مکان وجود نداشته است. از آن جا که زمان به نوعی با مکان وابسته است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که در ازل، زمان نیز وجود نداشته است و پس از چرخش پرگار آفرینش است که مکان و زمان خلق می شوند و این چندان دور از فرضیه ی «سینگولاریتی» نیست. پدیده ای که شما «چرخش پرگار آفرینش خداوندی» نام نهاده اید، اینان به نام «انفجار بزرگ» یا «بیگ بنگ» (Big Bang) می شناسند.

۲ - حسابی را کزین گنبد برون است

ع ۱ - آقای نظامی گنجوی، جنابعالی در مورد آفرینش دنیای مادی و این فلک گردان نظرات خود را تشریح کردید. همان طور که می دانید در این سوی فلک گردان، جانوارن و بشر در رفت و آمدند، اما در آن سوی فلک گردنده، چه چیزی نهفته است؟

ن گ - از صورت هایی که با چشم می بینم و در کوی این دنیای خاکی آمد و شد دارند، می توانم سخن بگویم، اما از صورت هایی که با چشم نمی توانم ببینم و از جهانی که در آن سوی گنبد آسمان است، سخن نمی توانم بگویم، زیرا از آنان جز خداونگار، کس دیگری آگاه نیست:

هر آنچه آمد شد در این کوی دارد در او روی آوردن روی دارد

حسابی را کزین گنبد برون ست جز ایزد، کس نمی داند که چون ست (ص ۳۳۲)

از آن صورت هایی که با چشم آدمی آشنا نیست، سخن گفت روا نمی باشد و رازهای فلک بر آدمی سربسته و در بسته است:

و ز آن صورت که با چشم آشنا نیست به گستاخی، سخن گفتن روا نیست

فلک بر آدمی در بسته دارد چو طرفه گو، سخن سربسته دارد (ص ۳۳۲)

۳ - ما این جا چراییم، کجا خواهیم رفتن، از کجاییم؟

ع ۱ - به نظر جنابعالی، آدمی در این عالم خاکی، چه می کند و چرا این جا هست؟ از کجا به این جا آمده است؟ و از این جا به کجا می رود؟

ن گ - کسی از این راز نمی تواند پرده بردارد. منزلی که اکنون ما در آنیم، از آن منزلی که از آن جا آمده ایم، بسیار دور است و چون این راه را کسی ندیده است، چگونه می توانم آن را به شما نشان بدهم. آدمی هنگامی که از این دنیای خاکی رهایی یابد و به آن منزل جاودانی برود، خود می داند که چه هست و از کجا آمده

است:

جوابش داد و گفت از پرده این راز
که ره دورست از این منزل که ماییم
چو زین ره بستگان یابی رهایی

نگردد کشف، هم با پرده می ساز
ندیده راه منزل، چون نماییم
بدانی خود که چونی و ز کجایی (ص ۳۳۳)

۴ - نمرده، راز مرده، کس نداند

ع ۱ - همان طور که می دانید یارانی که به خواب مرگ فرورفته اند، از خواب خود با کسی سخن نمی گویند. چرا چنین است؟

ن گ - نغمه ی داستان مرگ در ساز دنیا نمی گنجد. خفتگان خاک تنها می توانند به ما بگویند که چگونه مانند آن ها به زیر خاک فرو رویم، اما هرگز نمی توانند به ما بگویند که احوال آنان در دیار مردگان، چگونه است:

عجب دارم ز یارانی که خفتند
نگنجد آن ترنم اندر این ساز
همه گفتند، چون ما در زمین آی

که خواب دیده را با کس نگفتند
مخالف باشد ار برداری آواز
نگوید کس چنین رفتم، چنین آی (۳۳۳)

از مردگان، هرکس افسانه ای ساخته است. نمرده، راز مرده را نمی داند. از این راز فقط پیامبران آگاه هستند و آن ها نیز از آن چه می بینند به نامحرمان چیزی نمی گویند:

ز مرده، هر کسی، افسانه راند
مگر پیغمبران، کایشان امین اند

نمرده، راز مرده، کس نداند
به نامحرم نگویند، آن چه بینند (ص ۳۳۵)

۵ - تو آن نوری که پیش از صحبت خاک، ولایت داشتی بر بام افلاک

ع ۱ - بشر پس از آن که از این جهان فانی به آن جهان باقی رفت، آیا چیزی از زندگانی خود در این دنیا به یاد می آورد؟

ن گ - آدمی مانند نوری ست که پیش از آن که به این عالم خاکی بیاید بر بام افلاک زندگی می کرده است. امروز اگر از او در باره ی آن دوران سوال بکنند، کوچکترین چیزی به خاطر نمی آورد. بنابراین، آدمی وقتی که از این محنت آباد به آن دنیا برود، می ترسم که از این روزگار نیز چیزی به خاطر نیاورد. کسی که قصه ی دیشب را فراموش کرده است، ممکن است قصه ی امشب را نیز فراموش کند:

تو آن نوری که پیش از صحبت خاک
ز تو گر باز پرسند آن نشان ها
چو روزی بگذری زین محنت آباد
کسی کو یاد نارد قصه ی دوش

ولایت داشتی بر بام افلاک
نیاری هیچ حرفی یاد از آن ها
از آن ترسم کز این هم ناوری یاد
تواند کردن امشب را فراموش (ص ۳۳۴)

۶ - خدا دانی، از خود را بدانی

ع ۱ - جناب آقای نظامی گنجوی، از چه راهی می توان خداوند را بهتر شناخت؟
ن گ - ای آدمی، در خویشتن خویش، به اندیشه، نظر بیفکن تا به قدرت لایزال خداوندی پی ببری. خدا
بین شو و به جای فلک که در دور دست هاست در وجود خود که در همان نزدیکی هاست تعمق کن و خودت
را بشناس تا خدای خودت را بشناسی.

تُنک باشد حجاب آفرینش
فلک چه بود، بدان دوری میندیش
خدا بین شو که پیش اهل بینش
بدین نزدیکی، آینه در پیش
بدان خود را که از راه معانی
خدا دانی، ار خود را بدانی (۳۴۰)

ع ۱ - جناب آقای نظامی گنجوی، با آن که از محضر گرم جنابعالی سیر نمی شویم، اما متأسفانه وقت ملاقات
ما به پایان رسیده است و مجبوریم دنباله ی مصاحبه را به وقت دیگر موکول کنیم. بار دیگر از این که دعوت
ما را پذیرفتید تشکر می کنم.

دنباله ی این مصاحبه ی جالب را در شماره ی آینده با هم خواهیم خواند.

هتبع:

شعر های این مقاله از کتاب زیر نقل شده است و در کنار هر شعر شماره ی صفحه ی آن آمده است:
کلیات حکیم نظامی گنجوی به اهتمام پرویز بابایی، مطابق نسخه ی تصحیح شده ی وحید دستگردی، انتشارات
راد، چاپ اول، تهران ۱۳۷۴. این کتاب شامل مخزن الاسرار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون، هفت پیکر، و
اسکندر نامه است.

abbas.ahmadi@mailcity.com